

تعلیم دعا

¹And it came to pass, that, as he was praying in a certain place, when he ceased, one of his disciples said unto him, Lord, teach us to pray, as John also taught his disciples.²And he said unto them, When ye pray, say, Our Father which art in heaven, Hallowed be thy name. Thy kingdom come. Thy will be done, as in heaven, so in earth.³Give us day by day our daily bread.⁴And forgive us our sins; for we also forgive every one that is indebted to us. And lead us not into temptation; but deliver us from evil.⁵And he said unto them, Which of you shall have a friend, and shall go unto him at midnight, and say unto him, Friend, lend me three loaves;⁶For a friend of mine in his journey is come to me, and I have nothing to set before him?⁷And he from within shall answer and say, Trouble me not: the door is now shut, and my children are with me in bed; I cannot rise and give thee.⁸I say unto you, Though he will not rise and give him, because he is his friend, yet because of his importunity he will rise and give him as many as he needeth.⁹And I say unto you, Ask, and it shall be given you; seek, and ye shall find; knock, and it shall be opened unto you.¹⁰For every one that asketh receiveth; and he that seeketh findeth; and to him that knocketh it shall be opened.¹¹If a son shall ask bread of any of you that is a father, will he give him a stone? or if he ask a fish, will he for a fish give him a serpent?¹²Or if he shall ask an egg, will he offer him a scorpion?¹³If ye then, being evil, know how to give good gifts unto your children: how much more shall your heavenly Father give the Holy

¹وهنگامی که او در موضعی دعا می‌کرد، چون فارغ شد، یکی از شاگردانش به وی گفت: خداوند، دعا کردن را به ما تعلیم نما، چنانکه یحیی شاگردان خود را بیاموخت.²بدیشان گفت: هرگاه دعا کنید، گوئید: ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد. ملکوت تو بیاید. اراده تو چنانکه در آسمان است، در زمین نیز کرده شود.³نان کفاف ما را روز به روز به ما بده. و گناهان ما را ببخش زیرا که ما نیز هرقرضدار خود را می‌بخشیم. و ما را در آزمایش میاور، بلکه ما را از شریر رهایی ده.

مَثَل یک دوست که می پرسد

⁵و بدیشان گفت: کیست از شما که دوستی داشته باشد و نصف شب نزد وی آمده، بگوید: ای دوست، سه قُرض نان به من قَرُض ده،⁶چونکه یکی از دوستان من از سفر بر من وارد شده و چیزی ندارم که پیش او گذارم. پس او از اندرون در جواب گوید: مرا زحمت مده، زیرا که الآن در بسته است و بچه‌های من در رختخواب با من خفته‌اند، نمی‌توانم برخاست تا به تو دهم.⁸به شما می‌گویم: هر چند به علّت دوستی برنخیزد تا بدو دهد، لیکن جهت لجابت خواهد برخاست و هر آنچه حاجت دارد، بدو خواهد داد.⁹و من به شما می‌گویم: سؤال کنید که به شما داده خواهد شد. بطلبید که خواهید یافت. بگوئید که برای شما باز کرده خواهد شد.¹⁰زیرا هر که سؤال کند، یابد و هر که بطلبید، خواهد یافت و هرکه گوید، برای او باز کرده خواهد شد.¹¹و کیست از شما که پدر باشد و پسرش از او نان خواهد، سنگی بدو دهد؟ یا اگر ماهی خواهد، به عوض ماهی ماری بدو بخشد؟¹²یا اگر تخم‌مرغی بخواد، عقری بدو عطا کند؟¹³پس اگر شما با آنکه شریر هستید، می‌دانید چیزهای نیکو را به اولاد خود باید داد، چند مرتبه زیاده‌تر پدر آسمانی شما روح‌القدس را خواهد داد به هر که از او سؤال کند.

سلطان عیسی در بعزلبول

¹⁴و دیوی را که گنگ بود بیرون می‌کرد و چون دیو بیرون شد، گنگ گویا گردید و مردم تعجب نمودند.¹⁵لیکن بعضی از ایشان گفتند: که دیوها را به یاری بعزلبول، رئیس دیوها، بیرون می‌کند.¹⁶و دیگران از روی امتحان آیتی آسمانی از او طلب نمودند.¹⁷پس

Spirit to them that ask him?¹⁴ And he was casting out a devil, and it was dumb. And it came to pass, when the devil was gone out, the dumb spake; and the people wondered.¹⁵ But some of them said, He casteth out devils through Beelzebub the chief of the devils.¹⁶ And others, tempting him, sought of him a sign from heaven.¹⁷ But he, knowing their thoughts, said unto them, Every kingdom divided against itself is brought to desolation; and a house divided against a house falleth.¹⁸ If Satan also be divided against himself, how shall his kingdom stand? because ye say that I cast out devils through Beelzebub.¹⁹ And if I by Beelzebub cast out devils, by whom do your sons cast them out? therefore shall they be your judges.²⁰ But if I with the finger of God cast out devils, no doubt the kingdom of God is come upon you.²¹ When a strong man armed keepeth his palace, his goods are in peace:²² But when a stronger than he shall come upon him, and overcome him, he taketh from him all his armour wherein he trusted, and divideth his spoils.²³ He that is not with me is against me: and he that gathereth not with me scattereth.²⁴ When the unclean spirit is gone out of a man, he walketh through dry places, seeking rest; and finding none, he saith, I will return unto my house whence I came out.²⁵ And when he cometh, he findeth it swept and garnished.²⁶ Then goeth he, and taketh to him seven other spirits more wicked than himself; and they enter in, and dwell there: and the last state of that man is worse than the first.²⁷ And it came to pass, as he spake these things, a certain woman of the

او خیالات ایشان را درک کرده، بدیشان گفت: هر مملکتی که برخلاف خود منقسم شود، تباه گردد و خانه‌ای که بر خانه منقسم شود، منهدم گردد.¹⁸ پس شیطان نیز اگر به ضدّ خود منقسم شود، سلطنت او چگونه پایدار بماند. زیرا می‌گویید: که من به اعانت بعزبول دیوها را بیرون می‌کنم.¹⁹ پس اگر من دیوها را به وساطت بعزبول بیرون می‌کنم، پسران شما به وساطت که آنها را بیرون می‌کنند؟ از اینجهت ایشان داوران بر شما خواهند بود.²⁰ لیکن هرگاه به انگشت خدا دیوها را بیرون می‌کنم، هرآینه ملکوت خدا ناگهان بر شما آمده است.²¹ وقتی که مرد زورآور سلاح پوشیده، خانه خود را نگاه دارد، اموال او محفوظ می‌باشد.²² اما چون شخصی زورآورتر از او آید، بر او غلبه یافته، همهٔ اسلحهٔ او را که بدان اعتماد می‌داشت، از او می‌گیرد و اموال او را تقسیم می‌کند.²³ کسی که با من نیست، برخلاف من است و آنکه با من جمع نمی‌کند، پراکنده می‌سازد.²⁴ چون روح پلید از انسان بیرون آید، به مکانهای بی‌آب بطلب آرامی گردش می‌کند و چون نیافت، می‌گوید به خانه خود که از آن بیرون آمدم برمی‌گردم.²⁵ پس چون آید، آن را جاروب کرده شده و آراسته می‌بیند.²⁶ آنگاه می‌رود و هفت روح دیگر، شریتر از خود برداشته داخلشده در آنجا ساکن می‌گردد و اواخر آن شخص از او ائللش بدتر می‌شود.

²⁷ چون او این سخنان را می‌گفت، زنی از آن میان به آواز بلند وی را گفت: خوشابحال آن رَجَمی که تو را حمل کرد و پستانهایی که مکیدی.²⁸ لیکن او گفت: بلکه خوشابحال آنانی که کلام خدا را می‌شنوند و آن را حفظ می‌کنند.

آیت یونس نبی

²⁹ و هنگامی که مردم بر او ازدحام می‌نمودند، سخن گفتن: آغاز کرد که اینان فرقه‌های شیریند که آیتی طلب می‌کنند و آیتی بدیشان عطا نخواهد شد، جز آیت یونس نبی.³⁰ زیرا چنانکه یونس برای اهل نینوا آیت شد، همچنین پسر انسان نیز برای این فرقه خواهد بود.³¹ بلکه جنوب در روز دآوری با مردم این فرقه برخاسته، بر ایشان حکم خواهد کرد زیرا که از اقصای زمین آمد تا حکمت سلیمان را بشنود و اینک، در اینجا کسی بزرگتر از سلیمان است.³² مردم نینوا در

company lifted up her voice, and said unto him, Blessed is the womb that bare thee, and the paps which thou hast sucked.²⁸ But he said, Yea rather, blessed are they that hear the word of God, and keep it.²⁹ And when the people were gathered thick together, he began to say, This is an evil generation: they seek a sign; and there shall no sign be given it, but the sign of Jonas the prophet.³⁰ For as Jonas was a sign unto the Ninevites, so shall also the Son of man be to this generation.³¹ The queen of the south shall rise up in the judgment with the men of this generation, and condemn them: for she came from the utmost parts of the earth to hear the wisdom of Solomon; and, behold, a greater than Solomon is here.³² The men of Nineve shall rise up in the judgment with this generation, and shall condemn it: for they repented at the preaching of Jonas; and, behold, a greater than Jonas is here.³³ No man, when he hath lighted a candle, putteth it in a secret place, neither under a bushel, but on a candlestick, that they which come in may see the light.³⁴ The light of the body is the eye: therefore when thine eye is single, thy whole body also is full of light; but when thine eye is evil, thy body also is full of darkness.³⁵ Take heed therefore that the light which is in thee be not darkness.³⁶ If thy whole body therefore be full of light, having no part dark, the whole shall be full of light, as when the bright shining of a candle doth give thee light.³⁷ And as he spake, a certain Pharisee besought him to dine with him: and he went in, and sat down to meat.³⁸ And when the Pharisee saw it, he marvelled that he

روز داوری با این طبقه برخاسته، بر ایشان حکم خواهند کرد زیرا که به موعظه یونس توبه کردند و اینک، در اینجا کسی بزرگتر از یونس است.

چشم چراغ بدن است

³³ و هیچکس چراغی نمیافروزد تا آن را در پنهانی یا زیر پیمانهای بگذارد، بلکه بر چراغدان، تا هر که داخل شود روشنی را ببیند.³⁴ چراغ بدن چشم است، پس مادامی که چشم تو بسیط است، تمامی جسدت نیز روشن است و لیکن اگر فاسد باشد، جسد تو نیز تاریک بُود.³⁵ پس باحذر باش مبادا نوری که در تو است، ظلمت باشد.³⁶ بنابراین، هرگاه تمامی جسم تو روشن باشد و دُرّهای ظلمت نداشته باشد، همهای روشن خواهد بود، مثل وقتی که چراغ به تابش خود، تو را روشنایی می‌دهد.

نکوهش فریسیان و معلّمان شریعت

³⁷ و هنگامی که سخن می‌گفت، یکی از فریسیان از او وعده خواست که در خانه او چاشت بخورد. پس داخل شده بنشست.³⁸ اما فریسی چون دید که پیش از چاشت دست نشُست، تعجّب نمود.³⁹ خداوند وی را گفت: همانا شما، ای فریسیان، بیرون پیاله و بشقاب را طاهر می‌سازید ولی درون شما پُر از حرص و خباثت است.⁴⁰ ای احمقان، آیا او که بیرون را آفرید، اندرون را نیز نیافرید؟⁴¹ بلکه از آنچه دارید، صدقه دهید که اینک، همه چیز برای شما طاهر خواهد گشت.⁴² وای بر شما، ای فریسیان، که ده یک از نعناع و سُداب و هر قسم سبزی را می‌دهید و از دادرسی و محبّت خدا تجاوز می‌نمایید؛ اینها را می‌باید بجا آورد و آنها را نیز ترک نکنید.⁴³ وای بر شما، ای فریسیان، که صدر کنایس و سلام در بازارها را دوست می‌دارید.⁴⁴ وای بر شما، ای کاتبان و فریسیان ریاکار، زیرا که مانند قبرهای پنهان شده هستید که مردم بر آنها راه می‌روند و نمی‌دانند.

⁴⁵ آنگاه یکی از فقها جواب داد، گفت: ای معلّم، بدین سخنان ما را نیز سرزنش می‌کنی؟⁴⁶ گفت: وای بر شما نیز، ای فقها، زیرا که بارهای گران را بر مردم می‌نهدید و خود بر آن بارها، یک انگشت خود را نمی‌گذارید.⁴⁷ وای بر شما، زیرا که مقابر انبیا را بنا می‌کنید و پدران شما ایشان را کشتند.⁴⁸ پس به کارهای پدران خود شهادت می‌دهید و از آنها راضی

had not first washed before dinner.³⁹ And the Lord said unto him, Now do ye Pharisees make clean the outside of the cup and the platter; but your inward part is full of ravening and wickedness.⁴⁰ Ye fools, did not he that made that which is without make that which is within also?⁴¹ But rather give alms of such things as ye have; and, behold, all things are clean unto you.⁴² But woe unto you, Pharisees! for ye tithe mint and rue and all manner of herbs, and pass over judgment and the love of God: these ought ye to have done, and not to leave the other undone.⁴³ Woe unto you, Pharisees! for ye love the uppermost seats in the synagogues, and greetings in the markets.⁴⁴ Woe unto you, scribes and Pharisees, hypocrites! for ye are as graves which appear not, and the men that walk over them are not aware of them.⁴⁵ Then answered one of the lawyers, and said unto him, Master, thus saying thou reproachest us also.⁴⁶ And he said, Woe unto you also, ye lawyers! for ye lade men with burdens grievous to be borne, and ye yourselves touch not the burdens with one of your fingers.⁴⁷ Woe unto you! for ye build the sepulchres of the prophets, and your fathers killed them.⁴⁸ Truly ye bear witness that ye allow the deeds of your fathers: for they indeed killed them, and ye build their sepulchres.⁴⁹ Therefore also said the wisdom of God, I will send them prophets and apostles, and some of them they shall slay and persecute:⁵⁰ That the blood of all the prophets, which was shed from the foundation of the world, may be required of this generation;⁵¹ From the blood of Abel

هستید، زیرا آنها ایشان را کشتند و شما قبرهای ایشان را می‌سازید.⁴⁹ از این رو حکمت خدا نیز فرموده است که به سوی ایشان انبیا و رسولان می‌فرستم و بعضی از ایشان را خواهند کشت و بر بعضی جفا خواهند کرد،⁵⁰ تا انتقام خون جمیع انبیا که از بنای عالم ریخته شد از این طبقه گرفته شود.⁵¹ از خون هابیل تا خون زکریّا که در میان مذبح و معبدکشته شد. بلی به شما می‌گویم که از این فرقه بازخواست خواهد شد.⁵² وای بر شما، ای فقها، زیرا کلید معرفت را برداشته‌اید که خود داخل نمی‌شوید و داخل شوندگان را هم مانع می‌شوید.

⁵³ و چون او این سخنان را بدیشان می‌گفت، کاتبان و فریسیان با او به شدّت درآویختند و در مطالب بسیار سؤالها از او می‌کردند.⁵⁴ و در کمین او می‌بودند تا نکته‌ای از زبان او گرفته، مدّعی او بشوند.

unto the blood of Zacharias, which perished between the altar and the temple: verily I say unto you, It shall be required of this generation.⁵² Woe unto you, lawyers! for ye have taken away the key of knowledge: ye entered not in yourselves, and them that were entering in ye hindered.⁵³ And as he said these things unto them, the scribes and the Pharisees began to urge him vehemently, and to provoke him to speak of many things:⁵⁴ Laying wait for him, and seeking to catch something out of his mouth, that they might accuse him.